

## موضوع ۱

## مرور کلی موضوع

در حالی که اغلب ما به اهمیت در میان گذاشتن ایمانمان با دیگران واقفیم، بعضی از ما در این زمینه بسیار اساسی دچار مشکلیم. چطور می‌توانیم تأثیر ژرف تری بر دوستان، بستگان و یا آشنایان بی‌ایمانمان بگذاریم؟ چطور بشارت دادن می‌تواند قسمتی طبیعی از زندگی‌مان شود؟ در این مطلب ما:

- با در میان گذاشتن داستان ایمان آوردنمان به مسیح به توسعه روابطمان در گروه خود ادامه می‌دهیم.
- اهمیت فرمان مسیح برای "نمک و نور" بودن را کشف می‌کنیم.
- تأثیرگذاری شخصی خود بر مردم برای آمدن بسوی مسیح را ارزیابی خواهیم نمود.
- تغییراتی که لازم است در زندگی خود انجام دهیم تا نفوذ نیرومندتری بر بی‌ایمانان اطراف خود داشته باشیم را بررسی می‌کنیم.

## هفتم موضوع

منظور عیسی مسیح از اینکه فرمود ما باید نمک و نور باشیم چیست؟ مفاهیم ضمنی تعلیم وی کدامند؟ چطور می‌توانیم بخاطر مسیح تأثیر بزرگتری بر اطرافیان خود بگذاریم؟ چگونه می‌توانیم به خواننده‌شدگی خود برای نمک و نور بودن عمل کنیم؟

## کوچک ولی مقوی

(بیاناتی هستند که شما را در رابطه با مطلب به فکر وا خواهند داشت. این بیانات ممکن است در چارچوب تفکر کتابمقدس بگنجد و یا نگنجد.)

«من مانند دیگران عطای بشارت ندارم، پس بشارت دادن را به آنها محول می‌کنم.»

«اگر یک فرد مسیحی ایمان خود را با دیگران در میان نگذارد، از فرمان مسیح سرپیچی می‌کند.»

«برای من مهم نیست که زبانا مژده انجیل را به دیگران برسانم. در عوض، تلاش می‌کنم در حضور آنها زندگی مسیح گونه داشته باشم تا مسیح را در اعمال من مشاهده کنند.»

«بگذار به صراحت بگویم، من هنوز برای سامان دادن به زندگی خود مشکل دارم. احساس نمی‌کنم آمادگی لازم برای حرف زدن با دوستانم در مورد مسیح را داشته باشم.»

«مسیحیان خوانده شده‌اند که از دنیا جدا باشند. ما باید احتیاط کنیم بیش از حد با غیرایمانداران ارتباط نداشته باشیم، وگرنه طرز زندگی آنها ما را آلوده می‌کند.»

«مسیح گفت در حیات تنگ است و تعداد معدودی آن را می‌یابند. خداوند تعیین می‌کند چه کسانی نجات یابند، پس ما صرفاً باید منتظر بمانیم تا کسانی که خدا در زندگیشان کار می‌کند خود به سراغ ما بیایند.»

## نمونه جهت مطالعه

### مریم

مریم نوایمانی است که عمیقاً از زندگی تازه‌اش در مسیح هیجان زده است. با این حال در چند هفته گذشته در مورد نقشی که در این دنیا به عنوان یک مسیحی دارد دچار سردرگمی بیشتری شده است. بعضی به او گفته‌اند مسیحیان به این دنیا تعلق ندارند و به او هشدار داده‌اند که به دوستان قدیمی غیرمسیحی‌اش زیاد نزدیک نشود. از سوی دیگر، برخی او را تشویق می‌کنند دوستی‌اش را با دوستان قدیمی حفظ کند تا بتواند ایمان خود را با آنان در میان گذارد. آنها می‌گویند او باید به تمام معنا "نمک و نور" باشد. مریم از شما کمک می‌خواهد. "نمک و نور" بودن یعنی چه و چه ربطی به دوستان غیرمسیحی او و این ایده که مسیحیان باید در دنیا باشند ولی جزء دنیا نباشند، دارد؟

## مطالعه کتاب مقدس

## متی ۵: ۱۳-۱۵

«<sup>۳</sup> شما نمک جهانید! لیکن اگر نمک فاسد گردد، به کدام چیز باز نمکین شود؟ دیگر مصرفی ندارد جز آنکه بیرون افکنده، پایمال مردم شود. <sup>۴</sup> شما نور عالمید. شهری که بر کوهی بنا شود، نتوان پنهان کرد. <sup>۵</sup> و چراغ را نمی‌افروزند تا آن را زیر پیمانه نهند، بلکه تا بر چراغدان گذارند؛ آنگاه به همه کسانی که در خانه باشند، روشنایی می‌بخشد.»

این قسمت کوچکی از موعظه سر کوه یعنی طولانی‌ترین موعظه ثبت شده عیسی مسیح در کتاب مقدس است. در این موعظه، عیسی مسیح تشریح می‌کند که از شهروندان پادشاهی خدا انتظار چگونه زندگی را دارد. پس از تشریح ویژگیهای شخصیتی شان در ۵: ۱-۱۲، عیسی مسیح نفوذ آنها را در اطرافیانشان شرح می‌دهد.

عیسی مسیح از دو نمونه خانگی برای تشریح نفوذ بالقوه پیروانش استفاده کرد. در قرن اول از نمک به عنوان خالص‌کننده و نگهدارنده استفاده می‌شد. عیسی مسیح از آن برای تشریح چگونگی نفوذی که ایمانداران هنگامی که آنقدر به دیگران نزدیک می‌شوند که اجازه دهند خاصیتشان ربوده شود، بهره می‌برد. نوری که مسیح از آن سخن می‌گفت چراغ سفالی کوچکی بود که روغن و فتیله سوزان داشت. عموماً این چراغ در قسمتی بلندی از خانه قرار داده می‌شد تا حداکثر نور را ایجاد کند. بطور مشابه، پیروان عیسی باید اثری عمده بر اطرافیان خود داشته باشند.

بنظر شما چرا عیسی نور و نمک را به عنوان استعاره انتخاب کرد؟ وی سعی می‌کرد چه نکته‌ای را بیان کند؟

از تصاویر نمک و نور در باره ارتباطاتمان با مردمی که مسیح را نمی‌شناسند چه نتایجی می‌توانیم بگیریم؟ این نتایج چگونه با این نصیحت عیسی مسیح که «در این دنیا باشیم اما جزء آن نباشیم» مرتبط می‌شود (یوحنا ۱۷: ۱۴-۱۶)؟

از بین رفتن خاصیت نمک یعنی چه؟ در زندگی ما چگونه چنین چیزی رخ می‌دهد؟ چه باید کرد تا از وقوع آن جلوگیری نمود؟

### لوقا ۱۹: ۱-۱۰

«پس وارد اریحا شده، از آنجا می‌گذشت.<sup>۲</sup> که ناگاه شخصی زکی نام که رئیس باجگیران و دولتمند بود،<sup>۳</sup> خواست عیسی را ببیند که کیست و از کثرت خلق نتوانست، زیرا کوتاه قد بود.<sup>۴</sup> پس پیش دویده بر درخت افراغی برآمد تا او را ببیند. چونکه او می‌خواست از آن راه عبور کند.<sup>۵</sup> و چون عیسی به آن مکان رسید، بالا نگریسته او را دید و گفت: «ای زکی بشتاب و به زیر بیا زیرا که باید امروز در خانه تو بمانم.»

<sup>۶</sup> پس به زودی پایین شده او را به حرمی پذیرفت.<sup>۷</sup> و همه چون این را دیدند، همه‌همه‌کنان می‌گفتند که در خانه شخصی گناهکار به میهمانی رفته است.<sup>۸</sup> اما زکی برپا شده به خداوند گفت: «الحال ای خداوند نصف مایملک خود را به فقرا می‌دهم و اگر چیزی ناحق از کسی گرفته باشم، چهار برابر بدو رد می‌کنم.»

<sup>۹</sup> عیسی به وی گفت: «امروز نجات در این خانه پیدا شد. زیرا که این شخص هم پسر ابراهیم است.<sup>۱۰</sup> زیرا که پسرانسان آمده است تا گمشده را بجوید و نجات بخشد.»

پس از آنکه رومیها اسرائیل را فتح کردند، برای تأمین هزینه حکومت و نظامیان خود مردم را به پرداخت مالیاتهای سنگین واداشتند. رومیان اشخاص محلی را استخدام کردند تا مالیاتها را از آنان اخذ نمایند. این باجگیران، از جمله زکی و متی، در همان حال که مالیات را برای رومیان اشغالگر منفور جمع می‌کردند، پولی اضافه نیز برای پر کردن جیب خود می‌گرفتند.

نتیجتاً، باجگیران در زمان مسیح جزو منفورترین افراد بودند. آنها خائنین به ملت و خدا محسوب می‌شدند. بر خلاف سایرین، عیسی این افراد را نادیده نگرفت و از آنها غافل نشد. در عوض، از مسیر خود خارج شد تا با آنها وقت گذرانده، محبت و فیض خود را بدانها نشان دهد. در حالی که دیگران زکی را شخصی منفور می‌دانستند، عیسی به دید کسی که شدیداً محتاج محبت اوست به وی نگریست.

چرا عیسی با زکی ارتباط برقرار کرد؟ چه نکته ای در مورد زکی عیسی را واداشت با محبت به سوی او برود؟

چگونه عمل عیسی در رفتن به سوی زکی دعوت وی به نمک و نور بودن را الگوسازی می نماید؟

وقتی الگو و گفته عیسی در مورد یافتن گمشده را در نظر می آورید، چه چیزی بطور خاص شما را برای بشارت ایمانتان به چالش می کشاند و چرا باید بیش از پیش شبیه عیسی گردید؟

#### کولسیان ۴: ۲-۶

«در دعا مواظب باشید و در آن با شکرگزاری بیدار باشید.<sup>۳</sup> و درباره ما نیز دعا کنید که خدا در کلام را به روی ما بگشاید تا سر مسیح را که بجهت آن در قید هم افتاده ام بگویم،<sup>۴</sup> و آن را بطوری که می باید تکلم کنم و مبین سازم.<sup>۵</sup> زمان را دریافته، پیش اهل خارج به حکمت رفتار کنید.<sup>۶</sup> گفتگوی شما همیشه با فیض باشد و اصلاح شده به نمک، تا بدانید هر کس را چگونه جواب باید داد.»

پولس به کلیسا در کولسی (شهری نزدیک به افسس) نوشت تا بر برتری و حاکمیت مسیح تاکید کند. او می خواست کولسیان درک کنند مذاهب بت پرست قابل مقایسه با ایمان مسیحی نیستند. در پرتو برتری مسیح، وی ایمانداران را تشویق می نمود تا برای رساندن خبر خوش انجیل از فرصتها حداکثر استفاده را ببرند.

پولس از ایمانداران کولسی خواست که خود را وقف دعا نموده، و سپس دو درخواست دیگر خود را مطرح نمود. آن درخواستها کدامند؟ بنظر شما چرا پولس برای دو تقاضای اخیر درخواست دعا می‌کند؟ از درخواست دعای پولس ما چه می‌آموزیم؟

منظور پولس از اینکه به رهبران گفت پیش اهل خارج به حکمت رفتار کنید چه بود؟ چرا حکمت جنبه بسیار مهمی از بشارت است؟

بنظر شما منظور پولس از نوشتن «گفتگوی شما همیشه با فیض باشد» و «اصلاح شده به نمک» چه بود؟

## دیگر منابع

«فرمولی برای تاثیرگذاری بر جهان خود»، به قلم بیل هایلس و مارک میتلبرگ  
فصل سوم از کتاب «تبدیل شدن به یک مسیحی واگیردار» اثر بیل هایلس و مارک  
میتلبرگ. چاپ ۱۹۹۴

از کتاب «تبدیل شدن به یک مسیحی واگیردار» به قلم بیل هابلس و مارک میتلبرگ

یکی از طاقت فرساترین تجربه های زندگی این است که از ما خواسته شود کاری انجام دهیم بی آنکه ایده روشنی از چگونگی انجام آن به ما داده شود. متأسفانه چنین چیزی اغلب اتفاق می افتد. رئیس شما سهمیه فروش سرسام آوری را تنظیم کرده، به شما می گوید توقع دارد هر طور که شده آنرا به انجام رسانید. به شما اطلاع می دهد که رویهمرفته باید سود سهام افزایش، هزینه ها کاهش و سود خالص بهبود یابد، اما اینکه چطور همه اینها را انجام دهید مشکل شماست. یا در حالیکه کتابها و تکالیفات روی هم انباشته شده اند و طاقت شما طاق شده، معلم مرتب تاریخ امتحان تعیین می کند. این را بخوان، آنرا بنویس، این را انجام بده، آن تکلیف را تحویل بده، برای امتحان آماده شو، و از این درس قبول شو. و بنظر می رسد که برای استاد اصلاً مهم نیست که شما چهار درس دیگر هم دارید که همانقدر کار می برند. هر جور که هست باید کارتان را انجام دهید، اما چطور از عهده آن برآیید، چیزی است که خود باید چاره ای برای آن بیندیشید. تعجبی ندارد که بسیاری از ما مرتباً در مورد درسهای تکمیل نشده کابوس می بینیم! حتی در کلیسا ما با توقعات متعدد از قبیل داشتن زندگی زناشویی استوار، فرزندان مطیع، وضعیت مالی متعادل، شغل آبرومند، زندگی دعایی موثر و روابط ارزشمند بمباران می شویم. در اینحال، گرچه کلمه «باید» بسیار واضح و پرتنین به گوش می رسد، کلمه «چطور» حتی اگر شنیده شود، اغلب بسیار دور و مبهم است. یکی از جاهایی که این مسئله مصداق ویژه دارد، در چالش برای داشتن تاثیر بشارتی بر جهان اطرافتان است. واعظ فریاد می زند: «مردم گم شده اند. آنها راهی جهنم اند، خداوند می خواهد آنها را بیابد و شما سفیران برگزیده او هستید. پس باید بیرون رفته آنها را نزد مسیح آورید!» چطور می توانید با این گفته بحث کنید؟ این تعلیم بر اساس کتاب مقدس بوده، حقیقت را بیان کرده و کاملاً منطقی است. حال من می خواهم به آن عمل کنم. اما از کجا شروع کنم؟ آیا کسی می تواند کلمات «بیرون بروید» را تفسیر کند؟ چطور باید شروع کنم؟ فرآیند عمل چگونه است؟ چه کسی به من کمک می کند گام اول را بردارم؟

## طریقه الهی

خدا را شکر که او ما را در چنان وضعیت گیج کننده ای رها نکرده است. مثل قدیقی وجود دارد که می گوید «خدا چیزی را انتظار دارد که توانش را عطا کرده.» او نه تنها اعلام می کند که به این دنیای

مردمان خودسر بها می‌دهد بلکه اطمینان حاصل می‌کند که ما اطلاعات لازم برای گام نهادن در مسیر دستیابی به این مردم را داریم. مسیح از مدتها قبل هنگامی که با پیروانش بر دامنه تپه‌ای در نزدیکی کفرناحوم نشسته بود از طرح خود برای انجام این کار سخن گفت. او با استفاده از استعارات روزمره، اصولی که را ما می‌توانیم برای نفوذ در دنیای اطرافمان بکار گیریم در طرح فشرده زیر خلاصه کرد:

### ت.ب + ا.ن + ب.ر = ح.ا

معنای این معادله مرموز چیست؟ در حالی که این معادله ممکن است شبیه معادلات کتب شیمی بنظر آید، در واقع فرمولی است که راهبرد خداوند برای دستیابی به گمشده را در بر دارد. ما قوانین ریاضی جبر را زیر پا گذاشته و از عنصر آخر در سمت چپ، یعنی ح.ا، شروع می‌کنیم. معنی آن *حداکثر اثرگذاری* است: یعنی داشتن بالاترین تاثیر بر روی افراد دور و برمان. این هدف خداست که در سرتاسر کتاب مقدس بیان شده است. همانطور که دیده‌ایم، اعمال رسولان ۱: ۸ به ما می‌گوید که ما شاهدان او هستیم، که با روحش قوت یافته‌ایم تا نزد مردم دور و نزدیک برویم. دوم قرن‌تیا ۵: ۱۹ می‌گوید که وقتی ما از طریق مسیح با خداوند آشتی داده شدیم، به ما مأموریت کمک به مردان و زنان گناهکار برای مصالحه با خدا محول گردید. متی ۲۸: ۱۹-۲۰ که اغلب به عنوان فرمان اعظم بدان اشاره می‌شود، می‌گوید: به تمام عالم رفته، مژده انجیل را رسانده، مردم را به سوی مسیح هدایت و سپس تعمید دهید و آنها را در ایمان بنا کنید. در جای دیگر عیسی مسیح می‌گوید ما باید صیاد جانها باشیم.

می‌بینید که کتاب مقدس لبریز است از چالش برای فرد فرد ما تا طوری زندگیمان را برنامه ریزی کنیم که بتوانیم بالاترین نفوذ روحانی ممکن را بر طرفایمان داشته باشیم. این وظیفه خود ماست که این چالش‌ها را به مرحله عمل رسانیم، و سهم خداوند این است که با کشاندن مردم بسوی خود منجر به نتیجه شود. قبل از کشف مابقی اجزاء معادله، لازم است منبع آنرا بررسی نمایم. این معادله از دو عنصری که عیسی مسیح برای توصیف مورد استفاده قرار داد نشأت می‌گیرد: نمک و نور.

در اواسط بزرگترین موعظه تاریخ، یعنی موعظه سر کوه بود که عیسی این عبارات مشهور را بیان نمود: «شما نمک جهانید . . . شما نور عالمید.» او می‌خواست تمامی پیروانش در جهان بگونه‌ای زندگی کنند که مانند نمک و نور باشند.

## نمک از دیدگاهی تازه

بیاید به اولی نگاهی بیندازیم. چرا عیسی از تمثیل نمک بهره برد؟ نمک چه می‌کند؟ امروزه، نمک ما را عصبی می‌کند زیرا ممکن است سبب فشار خون بالا شود. پس هر بار که نمکدان را بر می‌داریم احساس گناه می‌کنیم. ولی بگذارید ادوار زمانی را طی کرده و به کاربردهای اولیه نمک در طول تاریخ بیندیشیم.

اولین چیزی که به ذهن خطور می‌کند این است که نمک ما را تشنه می‌سازد. به این دلیل است که مشروب فروشی‌ها چوب شور و بادام زمینی نمکین را رایگان به مشتری می‌دهند تا مردم را وادارند بیشتر بنوشند. حداقل به من اینطور گفته شده!

نمک کار دیگری هم می‌کند: چاشنی مواد دیگر است. چه کسی ذرت یا پفک را بدون نمک دوست دارد؟ وقتی غذایی را میل می‌کنیم که کمی بی‌مزه است، ناخودآگاه برای افزودن طعم به سراغ نمک می‌رویم.

نمک نگهدارنده است. اینروزها ما چندان از نمک به این منظور استفاده نمی‌کنیم، اما قبل از دوران یخچال برقی، نمک بطور گسترده‌ای برای به تعویق انداختن فساد مواد غذایی مورد استفاده قرار می‌گرفت. گوشت‌های بخصوصی را می‌شد به مدت طولانی نگه داشت، مشروط به آنکه به دقت در نمک بسته‌بندی می‌شدند.

پس نمک تشنگی را افزایش داده، طعم مواد را خوشایندتر نموده، و فساد را به تأخیر می‌اندازد. اینها ما را به سوی این سوال بزرگ سوق می‌دهند: هنگامی که عیسی به پیروانش نگاه کرد و گفت «شما نمک جهانید»، کدام یک از اینها را مد نظر داشت؟

جواب کوتاه این است، ما نمی‌دانیم! نظر شما چیست؟ اگر شما نظریات محققین را در مورد این سوال بخوانید، به زبان بازی ورق، آنها سه کارت برداشته و می‌گویند، «یک کارت انتخاب کن، فرق نمی‌کند کدام را. و یا اگر دوست داشته باشی، می‌توانی هر سه کارت را برداری.»

شاید منظور عیسی از نمک برای الگوسازی ایده ایجاد تشنگی بوده است. وقتی مسیحیان با روح‌القدس هماهنگ بوده، در دنیای خود هدفمند زندگی کرده، و آرامش و شادی داشته باشند، اینها اغلب در اطرافیان‌شان تشنگی روحانی ایجاد می‌کند.

در «ویلو کریک» ما اغلب در این مورد شهادت‌هایی را می‌شنویم. مردم جملاتی از این قبیل را به زبان می‌آورند، «سر کار بودم، و در بخش خودم متوجه شخصی شدم که روش زندگی، گفتار و ارزش گذاری‌اش بر برخی مسائل کمی غیرعادی بود. این مسئله توجه مرا جلب کرد. تشنگی روحانی رو به تزایدی را در خود احساس کردم که پیش از آن هرگز تجربه نکرده بودم.»

وقتی مسیحیان با شجاعت و اصالت بر اساس ایمان خود زندگی کنند، به زندگی بی‌روح اطراف طراوت می‌دمند. آنها مردم را غافلگیر کرده و وادار به عقب نشینی می‌کنند. با چالش‌ها و

نقطه نظرات ظاهراً اساسی خود آنها را از خواب بیدار می‌نمایند. و اینجا و آنجا برنامه‌ها را به هم می‌ریزند. بطور خلاصه، به زندگی اطرافیان خود کمی چاشنی می‌افزایند.

نکته دیگر اینکه، وقتی ایمانداران مطابق با معیارهای مسیح زندگی کنند، فساد اخلاقی را از جامعه دور می‌نمایند. امیدوارم چنین چیزی در مورد معمای سقط جنین، نگرانیها در مورد محیط زیست، تبعیض نژادی، و سقوط خانواده‌ها رخ دهد. همانطور که مسیحیان خداوند را جلال می‌دهند، او آنها را بکار می‌گیرد تا موج متلاطم شریر را که زمین را تهدید به نابودی می‌کند، متوقف نماید. پس کارتی را بردار، فرق نمی‌کند کدام را. هنگامی که مسیح کلمه نمک را به زبان آورد ممکن است دقیقاً یکی یا هر سه آنها را مد نظر داشته است. اما با تعمق بیشتر ممکن است شما دلایل متعدد دیگری برای اینکه مسیح از تشبیه نمک استفاده کرد کشف کنید، دلایلی که ممکن است خارج از زاویه دید باشند.

اولاً، برای اینکه نمک حداکثر تاثیر خود را داشته باشد، باید آنقدر توان داشته باشد که اثر کند. در ثانی، برای اینکه هر گونه اثرگذاری رخ دهد، نمک باید به چیزی که قرار است رویش اثر کند نزدیک شود. پس مسیح تشبیه نمک را برگزید زیرا نمک هم توان و هم نزدیک شدن را لازم دارد تا خاصیت خود را بروز دهد.

اینها ما را به معادله بر می‌گرداند:

$$ت.ب + ا.ن = ب.ر = ا.م$$

با توجه به اینکه قسمت نتیجه فرمول دستیابی به حداکثر اثرگذاری است، حال می‌توان به قسمت اول آن پرداخته و دو شرط اول برای رسیدن به هدف را بررسی کرد: ت.ب + ا.ن.

ت.ب یعنی توان بالا و ا.ن به معنای ارتباط نزدیک است.

چنانچه ما مسیحیان بخواهیم بر افراد خارج از خانواده خداوند تاثیر بگذاریم، این دقیقاً همان چیزی است که بدان نیازمندیم. ما باید توان بالا داشته باشیم، یعنی آنقدر تمرکز نیرومند نفوذ مسیح در زندگیمان بالا باشد که دیگران نتوانند منکر قدرت و حضور او شوند. و نیز باید حضوری مداوم داشته باشیم. باید به مردمی که امید داریم با رفتن به سراغشان قدرت مسیح تأثیر مطلوبش را بر آنها میگذارد، نزدیک شویم.

در متی ۵: ۱۳ عیسی مسیح می‌گوید، نمک بدون طعم و با کیفیت پایین ارزشی ندارد. چنین نمکی قدرت خود را از دست داده است. تشنگی چندان ایجاد نمی‌کند، طعم نمی‌بخشد و فاسد شدن را به تأخیر نمی‌اندازد. ممکن است کاملاً در مجاورت ماده دیگر قرار گیرد- ممکن است روی آنچه می‌خواهیم نمک بر آن اثر کند را کاملاً بپوشاند- اما اگر فاقد توان لازم باشد، عیسی مسیح می‌گوید، این نمک بی‌فایده است. دیگر مصرفی ندارد جز آنکه پایمال مردم شود.

به طریقی مشابه، نمک پر از طعم و با قدرت صنعتی توان بالا دارد، اما تا در تماس با چیزی قرار نگیرد خاصیتش بروز نمی‌کند. همانطور که «بکی پیرت» سالها قبل نوشت، نمک فقط در صورتی زینت سفره باقی می‌ماند که از نمکدان بیرون آید.

متأسفانه این وصف‌الحال بسیاری از کسانی است که خود را مسیحی می‌نامند. بلی، آنها در رابطه شخصی خود با مسیح توان بالایی دارند و در طرح زندگی فردی خود طریقی خدایسندانه را طی می‌کنند. اما هرگز خود را در جایی قرار نمی‌دهند که بتوانند در تماس با کسانی باشند که نیاز دارند از آنها تاثیر بپذیرند. آنها تزیینات شیک سفره هستند، اما با تأثیری اندک.

آیا متوجه هستید چرا انتخاب نمک توسط عیسی مسیح به عنوان استعاره آنقدر هیجان‌انگیز است؟ با این استعاره او توانست نشان دهد که قبل از آنکه ما بتوانیم ماموریتمان را برای داشتن تاثیر روحانی بر خانواده و دوستانمان به انجام رسانیم باید هر دو جزء یعنی توان بالا و نزدیک قرار گرفتن را بکار گیریم.

## نمونه‌ای نیرومند

چند سال قبل به اتفاق همسر روزی را با «بیلی گراهام» و همسرش روت در خانه آنها روی قله کوه در کارولینای شمالی بسر بردیم. هنگام غروب متوجه شدم که بیلی گراهام خسته شده، پس به او گفتم ما به هتل بر می‌گردیم. اما با کمال تعجب دیدم او کتاب مقدسش را به دستم داد و گفت: «بیل قبل از آنکه بروی، مرا از کلام خدا تغذیه کن.»

با خود فکر کردم، این پیر مرد هفتاد و سه ساله قطعاً یک مسیحی نوزاد نیست. و اینجا مشکل طعم هم وجود ندارد! بعلاوه، او بیش از هر کس دیگری در طول تاریخ پیام انجیل را به مردمان بیشمار رسانده است. علیرغم این، در واقع او داشت به من می‌گفت، «من هنوز نیاز دارم از کلام خدا تغذیه شوم.»

این تجربه به من کمک کرد بفهمم چرا بیلی گراهام برای مدتی چنان طولانی عمل‌کننده‌ای با توان بالا باقی ماند. او پیوسته در جهت بالا بردن خاصیت نمکین خود گام بر می‌دارد. از همه آنچه در مدتی که با هم بودیم رخ داد هیچکدام به اندازه آن مسئله در من تاثیر ماندگار نداشت. با این امید که هنگامی که به سن او می‌رسم فاکتور طعم سر به آسمان بزند، آنجا را ترک کردم. دلم می‌خواهد وقتی هفتاد و سه ساله می‌شوم خطرناک باشم. شما چطور؟

چطور چنین چیزی رخ می‌دهد؟ این هنگامی اتفاق می‌افتد که گامهایی برداریم که ما را در سنین هجده، سی و هشت و پنجاه و هشت سالگی شدیداً پرتوان کنند. چه گامهایی؟ کاش می‌توانستم به شما جوابهایی بی‌دردسر و آسان بدهم، اما نمی‌توانم. این اساساً در اثر تمرین کردن انضباط

روحانی روزانه به روش سنتی حاصل می‌شود که هزاران سال است ایمانداران را نمکین نگاه داشته و هیچ جنبه فانتزی و مدرنی در آن نیست.

توان بالا از خواندن و تغذیه شدن با حقایق کتاب مقدس و به هنگام زانو زدن در وقت دعا حاصل می‌شود و نیز از طریق معاشرت با سایر مسیحیان و اگیردار در گروههای مشارکتی کوچک، جایی که خواهران و برادران مسیحی نقاب از چهره برداشته و صورت واقعی خود را در معرض دید یکدیگر قرار می‌دهند. از خدمت کردن و همکاری در کلیسایی که بر مبنای کتاب مقدس عمل می‌کند. از تلاش برای درمیان گذاشتن فعالانه ایمان‌تان با دیگران و تجربه کردن موفقیت‌ها و شکست‌ها در این مسیر. از تحت انضباط قرار دادن خود به منظور حصول طعم نمکین مانا.

وقتی نوبت به توسعه و حفظ توان بالا می‌رسد، از عصای سحرآمیز و راههای میان‌بر خبری نیست. فاکتور طعم ما تقریباً با میزانی که ما خود را وقف انضباط روحانی سنتی می‌کنیم متناسب است. ارتباط هر روزه با خدا و کلامش ما را مهیا می‌کند تا هدایت‌های روح را پذیرفته و نسبت به تاثیرگذاری بر مردم خارج از خانواده مشتاق بوده، در حضور خدا و یکدیگر با محبت و ملاحظه باشیم و به آنچه واقعاً مهم است پردازیم.

این فعالیتها نه تنها ما را تحت پوشش قدرت الهی خدا نگاه می‌دارد، بلکه به ما کمک می‌کنند تا خصائل یک مسیحی و اگیردار را در خود رشد دهیم، که در بخش بعد بدان خواهیم پرداخت. تعداد بیلی گراهام‌ها در دنیای کنونی زیاد نیست، اما ما همگی می‌توانیم بسوی درک بیشتر آنچه سبب توان بالا می‌شود گامهایی برداریم. بی‌تردید، هر کدام از ما ظرفیت آن را داریم که از لحاظ شخصیت و ارتباط با خدا رشد کرده، نمک نیرومندتری شویم. در همان حال که با اطرافیان خود در تأثیر متقابلید، روشی که برای زندگی انتخاب می‌کنید ممکن است سبب ایجاد تشنگی یا افزودن طعم شده و یا به عنوان نگهدارنده اخلاقی بکار رود.

## درسی از نور

همانطور که قبلاً دیدیم، نمک یکی از دو استعاره‌ای است که عیسی مسیح بکار برد تا پیروانش را توصیف کند. دیگری نور است. او در متی ۵: ۱۴ فرمود: "شما نور عالمید." ممکن است دوباره پرسیده شود چه چیزی سبب شد وی این استعاره را انتخاب کند. نور چه می‌کند؟

ابتدایی‌ترین پاسخ این است که نور اشیاء را قابل رویت نموده و به ما کمک می‌کند شکل واقعی آنها را ببینیم. وقتی می‌گوییم می‌خواهیم «موضوع روشن شود» منظورمان همین است.

هنگامی که موارد کاربرد عبارت «نور» در کتاب مقدس را بررسی کنیم، ایده مرکزی که بدست می‌آید عبارت است از اینکه نور یعنی ارائه حقیقت خدا به دیگران بطور آشکار و جذاب، و

درخشان نمودن آن حقیقت بنحوی که واقعیت آن نشان داده شود. و در حالی که استعاره در برگیرنده نیاز به الگو سازی طریق زیستنی است که در تضاد با زندگی بیروح بدون مسیح می باشد، نکته متمایز آن بیان روشن محتوای پیام انجیل است.

این مسئله در سایر قسمت‌های کتاب مقدس که به نور اشاره می کند نیز قابل مشاهده است. برای مثال در دوم قرن‌تینان ۴: ۵-۶ به ما گفته می شود وقتی که پیام مسیح برای بار اول بر ما مکشوف شد، خداوند «در دل‌های ما درخشید تا نور معرفت جلال خدا در چهره عیسی مسیح از ما بدرخشد.» ارتباط بین نور و نقل اطلاعات در مورد پیام انجیل را ملاحظه می کنید؟

بطور مشابه، در کتاب متی، بنظر می رسد عیسی می گوید از شاگردانش انتظار دارد، نه تنها از طریق زیستن مطابق با تعالیم او بلکه با تشریح دقیق و صحیح پیام بخشش و فیضش، دیگران را از لحاظ روحانی روشن سازند. این یعنی نور بودن.

بنابراین همانطور که تمثیل نمک دو جزء اول فرمول ما یعنی ت.ب (توان بالا) و ا.ن (ارتباط نزدیک) را تشکیل داد، اینک استعاره نور جزء نهایی فرمولمان برای داشتن حداکثر اثرگذاری بر دیگران را فراهم می سازد. این جزء ب.ر است که مخفف بیان روشن پیام انجیل می باشد. با جمع بندی اینها فرمول زیر را بدست می آوریم:

**ت.ب + ا.ن (نمک) + ب.ر (نور) = ح.ا**

در متی ۵: ۱۵-۱۶ عیسی مسیح می گوید، برای آنکه نور اثر دلخواه را داشته باشد به هیچ وجه نباید پوشیده شده یا تار گردد. ما نیز برای داشتن نفوذ نیرومند مقبول خدا، باید بر پیام انجیل مسلط بوده و آماده بیان آن به شکلی دقیق و موجز باشیم.

این نکته می رساند که ما باید با تلاش مضاعف یاد بگیریم چطور اصول اساسی انجیل را با سادگی صریحی بیان و از آن دفاع نماییم. باید مهیای آن باشیم که به مردم کمک کنیم که ذات خدا، گنهکار بودن خودشان، بهای پرداخته شده توسط مسیح، و گامهایی که هر کدام از ما جهت دریافت بخشش باید بردارد و زندگی که خداوند عطا می کند، را درک نماید.

در غیر این صورت، مردم تنها کاری که می توانند بکنند این است که حدس بزنند چه چیزی کیفیت زندگی ما را از دیگران متمایز می کند. آنها ممکن است شک کنند آیا هرگز قادر خواهند بود زندگی تبدیل شده‌ای را که در ما می بینند تجربه نمایند.

خوب، آیا میتوان صرفاً بیرون رفته در مورد آن سخن گفت؟ بسیاری از مسیحیان با این فکر که اگر خیلی ساده به روشی باز و پیوسته مطابق با ایمانشان زندگی کنند، مردم دور و بر آنها دیده، خواستار آن شده و به طریقی در خواهند یافت چطور چنان زندگی برای خود کسب کنند. یا دلیل می آورند که احتمالاً این افراد آمده از آنها خواهند پرسید چه چیزی زندگیشان را تا آن حد

فوق‌العاده کرده و، در آنوقت، آنها فرصت را مغتنم شمرده و همه چیز را برایشان شرح خواهند داد. اما بیایید رو راست باشیم: هرگز چنین چیزی رخ نخواهد داد.

گرچه زیستن زندگی مسیحی نمک گونه (داشتن توان بالا و ارتباط نزدیک با دیگران) شرط لازم است اما کافی نیست. خداوند ما را از توقف در آن مرحله منع کرده است، زیرا مطابق چنان طرحی مردم سر از جهنم در می‌آورند. لازم است که ما پیام را در قالب کلمات واضح قرار دهیم تا دوستانمان نیز بتوانند آنرا فهمیده و مطابق با آن زندگی کنند.

پولس در رومیان ۱۰: ۱۴ می‌پرسد، «پس چگونه بخوانند کسی را که به او ایمان نیاورده‌اند؟ و چگونه ایمان آورند به کسی که خبر او را نشنیده‌اند؟ و چگونه بشنوند بدون واعظ؟» مسیح فرمود ما نباید فقط نمک باشیم، بلکه نور نیز: یعنی پیام فیض او را به روشنی بیان کنیم. اگر هر دو آنها باشیم، مردمی را که در قبالتان احساس مسئولیت می‌کنیم قادر می‌سازیم به آنچه مسیح در متی ۵: ۱۶ فرموده عمل کنند. آنها پس از یافتن فرصتی برای «مشاهده کردار نیکوی شما» و درک پیام مرکزی انجیل، آماده خواهند بود تصمیم گرفته پیرو عیسی شده و به معنای واقعی «پدر آسمانی‌تان را بستایند».

## انجام یک ارزیابی صادقانه

حال بیایید مکثی کرده، سوال بزرگ را مطرح کنیم. آیا این معادله دقیقاً وضعیت فعلی زندگی شخص شما را توصیف می‌کند؟ در حالی که به این سوال مهم می‌اندیشید، یک بار دیگر به معادله نگاهی بیندازید.

ت.ب (توان بالا) + ا.ن (ارتباط نزدیک) + ب.ر (بیان روشن) = ح.ا (حداکثر اثرگذاری)

افراد زیادی را می‌شناسم که این معادله توصیف دقیق آنهاست. میزان طعم روحانی در زندگی‌شان مرا به حیرت وامیدارد. و از ملاحظه مسافتی که می‌روند تا با مردم غیرمذهبی ارتباط برقرار کرده و آنها را با مسیح آشنا سازند مبهوت می‌شوم. این افراد مرا به چالش کشانده و تحت تاثیر قرار می‌دهند.

اما مسیحیان زیاد دیگری وجود دارند که سرشان با حساب و کتابهای مضحک گرم است. آنها تلاش می‌کنند ریاضیات جدید را کارآمد نمایند. می‌گویند، «می‌خواهم راهی پیدا کنم که توان بالا با ارتباط نزدیک کوچک جمع شده، حداکثر اثرگذاری حاصل شود.» اما آنها توفیقی بدست نمی‌آورند زیرا از مردمی که باید با آنها تماس برقرار کنند دور می‌مانند.

گروهی دیگر می‌گویند، "من نزدیکترین ارتباطی را که در تصور می‌گنجد برقرار کرده‌ام." آنقدر در جماعت غرق می‌شوم که غیر قابل تشخیص شوم! آنوقت است که حداکثر اثرگذاری را خواهم داشت. نه نخواهید داشت، نه تا زمانی که دارای قابلیت تشخیص، توان و طعم شوید.

بسیاری دیگری مسئله را اینطور جمع‌بندی می‌کنند، «بسیار خوب، من فاکتور طعم خود را با داشتن یک زندگی مسیحی با ثبات بالا برده، و سپس تلاشهای لازم را بعمل می‌آورم که افراد مورد نظرم را تحت تاثیر قرار دهم. اما خواهشاً از من نخواهید حرفی بزنم! من صرفاً در حضور آنها مطابق با ایمانم زندگی می‌کنم تا شاید قسمتی از آن به آنان سرایت کند.»

همانطور که گذشت زمان ثابت خواهد کرد، این فقط زیستن در رویاست. درست همانطور که حرف بدون عمل بیفایده است، عمل بدون حرف نیز از معنا و محتوا تهی است. ملاحظه می‌کنید چرا مسیح تأکید دارد که لازم است ما نور و نمک، هر دو باشیم؟ بسیار مهم است که ما طعم بالا داشته و مهبیای رساندن پیام مسیح با زبانی ماهرانه باشیم.

## نگاهی مقدماتی بر موضوع

به فرض آنکه هدفمان کسب بالاترین نفوذ روحانی ممکن باشد، لازم است این موضوعات را کاملتر موشکافی کنیم تا هر کدام از اجزاء معادله را استحکام بخشیم. در باقیمانده این کتاب به این مطلب خواهیم پرداخت.

چنانچه خواهیم ذره‌ای امید برای جذب مردم بسوی مسیح را کسب نمائیم، مجبور خواهیم بود اولین بخش فرمول را با رشد دادن تعدادی خصائل شخصیتی فوق‌العاده مهم از قبیل اصالت، شفقت و ایثار تکمیل کنیم. به اینها در سه فصل آتی خواهیم پرداخت، که بخشی به نام، «پیش نیاز توان بالا» را تشکیل می‌دهند.

سپس، عنصر دوم معادله را در بخشی تحت عنوان، «پتانسیل ارتباط نزدیک» بسط می‌دهیم. در آنجا راههای عملی را مورد بحث قرار می‌دهیم که بطور طبیعی ما را وارد محدوده تاثیر بر دیگران می‌کند. ما فرصت‌های هر روزه برای اثرگذاری روحانی که در روابط عادی انتظار ما را می‌کشد و پیشاپیش از بسیاری از آنها برخورداریم، کشف می‌کنیم. این درست جایی است که ماجراجویی آغاز می‌شود!

برای نمونه، همین اواخر وقتی سرم را اصلاح می‌کردم متوجه شدم که آرایشگر سر حال نبود. می‌خواستم او را از آن حال بیرون بکشم، اما نمی‌دانستم چطور سر صحبت را باز کنم. بعد متوجه آهنگی شدم که از سیستم صوتی‌شان به گوش می‌رسید. صدای ساکسیفون غالب بود، پس تصمیم

گرفتم تیری در تاریکی رها کنم. با لحنی بی‌تکلف گفتم، «این کنی ج است، اینطور نیست؟» او با اشتیاق وافر پاسخ داد، «من عاشق کنی ج هستم! شما کنی ج را می‌شناسید؟» لازم است شما از موضوع مختصری بدانید. در اینجا من دست تنها بودم. فکر می‌کنم رویهمرفته پنجاه ثانیه اجرای کنی ج را در نمایش نامه‌رسان یا در جای دیگر دیده بودم. تمام آنچه بیاد دارم این است که او با قطعه دهانی کنار لبش می‌نواخت. و این مرا جذب کرد تا گوشه کاناپه نشسته او را تماشا کنم. فقط خوشحال بودم که زن آرایشگر از من نپرسید حرف «ج» در نام نوازنده مخفف چیست، چون کوچکترین اطلاعی نداشتم؟

بعد از آنکه کمی در مورد کنی ج حرف زدیم، بحث به موضوعات مهمتر، از جمله زندگی خصوصی او کشانده شد. به من گفت به تنهایی از فرزندانش سرپرستی می‌کند، پس در مورد مشکلات پیش آمده در زندگی زناشویی‌اش گفتگو کردیم و اینکه چطور بچه‌هایش با تغییرات کنار می‌آیند. او گفت، «خیلی خوب با این مسئله کنار می‌آیند چون کلیسای ناحیه‌ای بنام ویلو کریک به آنها خیلی کمک می‌کند.»

برای اینکه نشان دهم به موضوع علاقمندم گفتم، «جالب است.»

پرسیدم آیا خود او تا به حال آنجا رفته و او پاسخ داد مدت‌ها قبل رفته بود. وقتی از او پرسیدم چرا ادامه نداد، گفت نمی‌دانم. پس به او گفتم شنیده‌ام کلیسا هفته بعد را عفو عمومی اعلام کرده و صرف نظر از اینکه چه کرده و چرا کلیسا را ترک نمودی، می‌توانی برگردی و هیچ سوالی پرسیده نخواهد شد! با کمی بهت به من نگاه کرد و گفت، «جدی می‌گویی؟» جواب دادم، «یک جورایی،» چون این روند کار کلیسای ویلو کریک در تمام هفته‌هاست!

نمی‌دانم آیا او به کلیسا برگشته است یا هنوز نه، اما برایم روشن بود که خدا از این تلاش خوشنود بود و شاید آن را برای تأثیرات بعدی در زندگی او بکار گیرد. خداوند از اینکه ما به مردمی که شدیداً نیازمند او هستند نزدیک شویم کیف می‌کند. و لذت می‌برد زمانی که ما خطر گفتگو با دیگران را پذیرفته و جهت آنرا از مسائل دنیوی به موضوعاتی که حقیقتاً اهمیت دارد تغییر می‌دهیم. او از اینکه مسیحیان معمولی مثل من و شما را برای اثرگذاری روحانی بر اطرافیان بکار گیرد غرق در شادی می‌شود.

اما برای اینکه چنین امری رخ دهد، باید یاد بگیریم روش‌تر بدرخشیم. پس بخش چهارم «قدرت بیان روشن» نامیده خواهد شد. این بخش شدت حائز اهمیت خواهد بود، زیرا نیاز به بیان ماهرانه مژده انجیل فوق‌العاده بالا و سطح اعتماد بنفس اغلب مسیحیان فوق‌العاده پایین است. حتی اگر مدتهای طولانی است که در مورد ایمان خود با دیگران سخن می‌گویید، باز هم مفید خواهد بود که روش بیان پیام در قالب کلمات را بازنگری و تمرین کنید. اگر این کار را نکنید فرسوده خواهید

شد. و اگر چنین اتفاقی بیفتد، خود را خواهید یافت که بطور غریزی از فرصتها برای پیش کشیدن گفتگو در مورد موضوعات روحانی می‌گریزید، زیرا برای استفاده از آنها احساس آمادگی نمی‌کنید. کتاب مقدس در هوشع ۴: ۶ می‌گوید «قوم من از عدم معرفت هلاک شده‌اند» شخص حقیقو در اعمال رسولان ۸: ۳۱ با اشاره به مطلبی از کتاب مقدس که در حال مطالعه آن بود می‌گوید «چگونه می‌توانم بفهمم، مگر آنکه کسی مرا هدایت کند؟»

خداوند وظیفه توضیح پیامش به مردم سراسر جهان را به من و شما محول نموده است. بخش بیان روشن بگونه‌ای طراحی شده که به شما کمک کند اینکار را طوری شروع کنید که هم طبیعی باشد و هم موثر.

توضیحات من در باره این موضوع بدون بخش آخر، یعنی «نتیجه نهایی: حداکثر اثرگذاری» کامل نخواهد بود. این بخش تشریح خواهد کرد چطور می‌توانید فردی را در طول مسیر ایمان بسوی رابطه با مسیح هدایت کنید. این بخش همچنین تصویر کلیسایی را ترسیم می‌کند که در آن تعداد هر چه بیشتری از اعضایش مصداق این معادله گردیده و بطور فزاینده‌ای واگیردار میشوند. جالب است که بدانیم این اقدام خطیر در اهداف خدا مرکزیت داشته، و ما می‌توانیم بازیگران کلیدی او بوده، با هم بر این دنیا تأثیری ابدی بجای گذاریم.

چطور این اتفاق خواهد افتاد؟ پس از سالها شنیدن از تعداد کثیری از رهبران کلیساهای بزرگ که طرحهای پر آب و تابى را در مورد اینکه چطور می‌توانیم «با ملت خود ارتباط برقرار کرده» یا «دنیای خود را تغییر دهیم»، ارائه می‌دهند یا مدعی می‌شوند که «ما کاملاً در شرف انقلابی روحانی هستیم که خیلی زود ملتمان را در بر می‌گیرد»، من دچار تردید شده‌ام. شرط می‌بندم شما هم همینطور.

عالی نیست که بدانیم دو هزار سال پیش عیسی مسیح بر دامنه تپه‌ای نشسته، تالو آبهای دریای جلیل را نگرسته و فرمولی برای تغییر دنیایمان به ما ارائه داد؟ دو نفر در این فرمول دخیلند: مسیحی نمکین و کسی که نیازمند دریافت ایمان است، در حالی که در مورد مسایلی که ارزش گفتگو را دارند صحبت می‌کنند.

عیسی مسیح مثل رئیس، معلم یا واعظ نیست که فقط به ما تکلیف داده و سپس ما را بحال خود رها کند تا خود راهی برای انجامش بیابیم. او فرمول را به ما داده است. هر جا که طعم بالا، تأثیر متقابل نزدیک و ارائه صریح حقیقت وجود داشته باشد، و هر جا که روح‌القدس عمل کند، تأثیر مسیحی واگیردار وجود خواهد داشت که ممکن است نهایتاً منجر به نجات انسان یا انسانهای گمشده‌ای شود که برای خداوند عمیقاً مهمند.

عیسی مسیح فرمود: «شما نمک جهانید»، «شما نور عالمید.» منظور او شخص شماست.

## شکل بفشی به پاسخ

۱- اهداف و انتظارات شما از این درس چیست؟ امید دارید چه چیز عایدتان شود؟ بر چه مبنایی میزان مفید بودن این درس را تعیین می‌کنید؟

۲- تا چه حد خود را نسبت به فرمان «نمک و نور باشید» مقید می‌دانید؟ کارآیی شما در اثرگذاری بر روی اطرافیان در مورد مژده انجیل چقدر است؟

۳- در حالی که مقاله را می‌خواندید چه فکر می‌کردید؟ کدام بخش بطور ویژه ای از دید شما پر معنا آمد؟ آیا با تمام نوشته های هایبلز و میتلبرگ موافق بودید؟ اگر نه، لطفاً توضیح دهید.

۴- با استفاده از دسته‌بندی ارائه شده در مقاله، اثرگذاری روحانی را که در حال حاضر بر روی اطرافیان خود دارید ارزیابی نمایید. در هر رده، کارآیی خود را برآورد کرده، قدمی عملی را که قصد دارید جهت بهبود آن ناحیه بردارید بنویسید.

کارآیی فعلی	یک گام جهت بهبود
توان بالا	
ارتباط نزدیک	
بیان روشن	

## بیش موضوع

۱- اجازه دهید همه چگونگی ایمان آوردن خود به مسیح را تعریف کنند. چه کسی در ایمان آوردن شما نقش اصلی را ایفا کرد؟ چگونه؟

۲- در حالی که هر فرد صحبت می‌کند به تنوع و تفاوتها در هر داستان دقت کنید. آن تفاوتها در مورد اینکه مردم چگونه ایمان خود را با دیگران در میان می‌گذارند به ما چه می‌گویند؟

۳- نمک و نور بودن یعنی چه؟ چگونه می‌توانیم بطور موثرتری بر اطرافیان خود اثر کنیم؟

۴- چگونه ارتباط عیسی مسیح با زکی و دیگران در اناجیل الگویی برای نور و نمک بودن فراهم می‌کند؟ از روش عیسی مسیح برای برقراری ارتباط با مردم چه می‌آموزیم؟

۵- کدام بخش فرمول حداکثر اثرگذاری برای شما از همه مشکلتر است؟ چرا؟

۶- چگونه توان بالا تثبیت شده و افزایش می‌یابد؟ فکر می‌کنید چرا توان بالا آنقدر برای بسیاری از ایمانداران مشکل است؟

۷- چرا ارتباط نزدیک برای خیلی از ایمانداران معطل است؟ چگونه افراد می‌توانند کارایی خود را در این بخش بالا ببرند؟

۸- چرا بیان روشن تا این حد حائز اهمیت است؟ چگونه ایمانداران می‌توانند این جنبه از زندگی خود را تقویت کنند؟

## گامهایی به جهت اطاعت

۱- این بحث تا چه حد دیدگاه و باور پیشین شما را در مورد این موضوع تغییر داد؟ افکار خود را در زیر خلاصه کنید.

۲- برنامه شما برای انجام اینکار چیست (چه وقت، چه کسی، کجا،...)?

۳- خود را متعهد کنید: در رابطه با موضوع اهداف ایمان برقرار، و آن را با گروه و یا سرگروه در میان گذارید.

**با کمک خدا، من:**